

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۷، پاییز ۱۳۹۴

تحلیل جایگاه موبدان و کارکرد اقتصادی آنان در ساختار نظام سیاسی - اجتماعی ساسانیان

علی بهادری^۱

محمد کریم یوسف جمالی^۲

فیض الله بوشاسب گوشه^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۳

تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۲۱

چکیده

کیفیت ارتباط و ضرورت همراهی دین و سیاست در ایران عصر ساسانی، پیامدها و تبعاتی را ایجاد کرد که مستقیم یا غیرمستقیم، در تحولات اجتماعی، حوادث تاریخی و انواع فعالیت‌های اجتماعی مردمان آن روزگار اثرگذار بود. نهاد دین و طبقه موبدان، در جایگاه متولیان معنویت و اعتقادات جامعه، از قبل تبیین جهان‌بینی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛

bahadoree@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛

yousef_jamali2000@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛ f-boushasb@Iaun.ac.ir

خاص خود و نوع تعاملات و رویکردشان، جامعه‌ای بسته پدید آوردند که ضمن حذف مخالفان و رقیبان، انتفاع حداکثری از امکانات و مواهب مادی و معنوی در عرصه اجتماعی و اقتصادی را در انحصار خود گرفتند. برخورد بسیار قهرآمیز موبدان با نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی و اعتقادی رقا و ادیان غیرهمسو و تسلط بر منابع قدرت و ثروت در قالب رسمیت یافتن دین زرتشت، همراهی دو نهاد دیانت و سلطنت در عصر ساسانی و کارکرد متنوع آشکده‌ها، به همان نسبت که این طبقه اجتماعی را برخوردار کرد، جامعه را در سیر توسعه و عدالت فراگیر آسیب‌پذیر نمود. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از شیوه تحقیق کتاب‌خانه‌ای و تحلیل تلفیقی داده‌های تاریخی، با بهره‌گیری از منابع متنوع، جایگاه موبدان در جامعه ساسانی را شناسایی کند و ضمن تمرکز بر فعالیت‌ها و عملکردهای اقتصادی موبدان، بخشی از ساختار نظام سیاسی و اقتصادی ساسانیان را واکاوی نماید و از آن دو، قسمتی از هویت تاریخی و پیشینه فرهنگی و تمدنی ایران‌زمین را در آخرین دوره از عهد باستان مورد استقرا و استدلال قرار دهد. نتایج حاصل حاکی از آن است که موبدان علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی، بر بخش وسیع و قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی نیز تسلط داشتند و از این راه به عایدات عمده‌ای دست یافتند و بر چرخه اقتصادی کشور اثر گذاشتند.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، موبدان، کارکرد اجتماعی،

فعالیت‌های اقتصادی، آشکده.

۱. مقدمه

اردشیر اول، مؤسس شاهنشاهی ساسانی، با اقداماتی هدفمند برای تشکیل حکومتی متمرکز، موجبات انسجام و یکپارچگی تشکیلات دینی را فراهم کرد و در نتیجه این عملکرد و حمایت اعقاب او، مراکز پراکنده دینی این دوران تحت پوشش نهاد و طبقه‌ای خاص در خدمت حکومت درآمد. این مراکز ضمن ارائه خدمات گوناگون به جامعه و دولت، در ارکان قدرت سیاسی و اقتصادی هم سهیم شدند. این همراهی، پیامدهای بسیاری را در جنبه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بطن جامعه ساسانی از خود به یادگار گذاشت.

موبدان، در مدتی فراتر از چهار سده حاکمیت ساسانیان در ایران، از ساختاری ضابطه‌مند با تشکیلات سلسله‌مراتبی عریض و طویل برخوردار شدند و تقریباً همه عرصه‌های حیات فردی و جمعی مردمان زمانه خود را تحت الشعاع قرار دادند. از جمله کارکردهای مهم نهاد دیانت که هم‌پوشانی قابل اعتمادی را در استمرار قدرت بلامنازع موبدان و ماندگاری آن‌ها در هرم قدرت فراهم می‌کرد و هم به آن‌ها توان حضور در همه صحنه‌های اجتماعی را می‌داد، کارکرد اقتصادی موبدان از جمله در قالب سازوکار آتشکده‌ها در سراسر کشور به‌ویژه در سه آتشکده شاخص آن دوران بود.

فهم ارکان ساختار اقتصادی ساسانیان، به‌رغم همه پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده در سده‌های اخیر براساس داده‌های تاریخی و اکتشافات باستان‌شناختی و نیز برخلاف ابعاد سیاسی، اعتقادی و ساختار طبقاتی آن روزگار، یکی از مؤلفه‌های مهم در شناخت نظام حاکم و معرفی عناصر حیات جمعی و تاریخ اجتماعی ایرانیان در آن دوران است که نقاط نیافتده و ناشناخته آن بسیار است. از جمله اینکه جامعه ایران ساسانی دارای نظامی طبقاتی بود که در آن، طبقات گوناگون، کارکرد و جایگاه خاص خود را داشتند و برآیند عملکرد مجموعه ارکان و ارگان‌های موجود در آن، گونه‌ای از ساختار سیاسی و اجتماعی را به‌وجود آورد که با انسجام و استحکامی خاص، قابلیت آن را پیدا کرد که بیش از چهار قرن، به‌عنوان یکی از دو قدرت برتر جهان آن روز، استمرار بیابد.

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که موبدان و کارکرد اقتصادی آنان از چه جایگاه، ابعاد و اهمیتی در نظام سیاسی-اجتماعی ساسانی برخوردار بوده است. موبدان و آتشکده‌های تحت اختیار آنان یکی از ارکان مهم اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران عصر ساسانی بودند. آن‌ها علاوه بر سهم بودن در ساختار قدرت سیاسی، بخشی ثابت از تشکیلات اقتصادی را تحت اختیار داشتند و از انتفاع و عایدات متغیری هم بهره‌مند بودند.

۲. جایگاه و اهمیت موبدان در جامعه ساسانی

اطلاع از جایگاه طبقاتی و نوع حیات سیاسی، اجتماعی و نقش‌آفرینی موبدان در عرصه زندگی فردی و جمعی، کیفیت نفوذ آن‌ها در دستگاه حکومت، ماهیت و میزان مبارزه آن‌ها با دشمنان آیین مزدیسنا و مواردی از این قبیل، جملگی مقدماتی هستند که بیانگر و معرف ویژگی‌ها، خصوصیات، کیفیت عملکرد اجتماعی و اعتقادی موبدان و تبیین‌کننده مراتب اجتماعی، جایگاه طبقاتی و نقش‌آفرینی آن‌ها در ساختار نظام اجتماعی جامعه ایران عصر ساسانی‌اند. برای شناخت نوع کارکرد و کیفیت عملکرد اقتصادی موبدان می‌بایست در یک قالب کلی و در چارچوب مؤلفه‌های مطرح در ساختار نظام سیاسی ساسانی، به معرفی پایگاه و پایه‌های اقتدار روحانیان زرتشتی پرداخته شود و از قبل آن، به‌طور اختصاصی، عملکردها و فعالیت‌های اقتصادی و مساعی مالی موبدان مورد اهتمام قرار گیرد.

روحانیت زرتشتی عصر ساسانی، نه تنها در مراتب مختلف زندگی خصوصی و حیات اجتماعی جامعه ساسانی، صاحب رأی و برخوردار از نفوذی مهم در اتخاذ تصمیم‌ها و تدابیر در انجام کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون تحولات تاریخی مردمان زمانه خود بودند، بلکه به‌ویژه در دوره‌هایی خاص - که روحانیان بانفوذی ظهور کردند و به دلیل سستی دستگاه سلطنت، قدرت اثرگذاری غیرمعارف‌تری را تجربه کردند و با رنگین‌تر کردن تعصبات دینی، همچون کرتیر برخورد با مخالفان به‌ویژه اقلیت‌های دینی و نحله‌های فکری و مسلک‌های اجتماعی را شدت بیشتری بخشیدند - در عزل و نصب شاهان و جابه‌جایی

کانون‌های قدرت، دخالت مستقیم داشتند و به‌زعم کریستن سن^۱ (۱۳۷۵: ۲۸۶)، برخورداری موبدان از حق عزل پادشاه اسلحه خطرناکی بود که دست آن‌ها را در اجرای مقاصد جانبدارانه خود باز می‌گذاشت.

موبدان در هر فرصتی برای به‌دست آوردن قدرت، بسط دامنه نفوذ، وصول به مقاصد، کسب منافع و ازدیاد آن می‌کوشیدند. در تاج‌گذاری شاهان ساسانی، یکی از مقامات رسمی پیوسته حاضر، موبدان موبد زمانه بود و به‌رغم حضور بزرگان خاندان سلطنتی، مقامات عالی‌رتبه نظامی، دیوان‌سالاران و افراد ذی‌نفوذ دیگر، تاج فقط از دست او به شاه محول می‌شد که خود نمود نوعی تقدس و مشروعیت مذهبی بود. روحانیان می‌بایست اطمینان می‌یافتند که پادشاه آینده آن‌گونه که لازمه آیین زرتشتی است، از دین زرتشتی تبعیت می‌کند. در سال‌های آغازین استقرار دولت ساسانی، پادشاه موبدان را منصب و لقب می‌داد؛ اما بعدها، شاید در ایام شاپور دوم، موبدان موبد که لقب او به قیاس از لقب شاهنشاه به‌وجود آمده بود، وظایف روحانی نظیر واگذاری مناصب دینی را برعهده گرفت و وظیفه گذاشتن تاج بر سر پادشاه جدید با او بود (فرای، ۱۳۷۷: ۲۳۴). در پی کوشش‌های کرتیر و آذرباد مهراسپندان و مغانی که مقاصدی مشابهی در سر داشتند، روحانیت دست‌به‌کار سازماندهی خود به‌صورت دستگاه دینی دولتی شد و اختیار آموزش و داوری را به‌دست گرفت و به‌شکل روزافزون در کارهای دولتی نفوذ کرد. داوران هم برخاسته از طبقه موبدان بودند و در رأس آن‌ها موبدان موبد قرار داشت که به‌مثابه یک مرجع قضایی عالی عمل می‌کرد (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۴۵). در تمام دوران حاکمیت ساسانیان، روحانیان زرتشتی و پادشاهان ساسانی، پیوسته دو پایه اصلی حکومت و دو عنصر اثرگذار در جامعه ایران آن روز بودند که در سیری همسو و در حالتی دوجانبه، منافع یکدیگر را تأمین می‌کردند. موبدان با انحصاری کردن تبلیغ دیانت و عهده‌داری نظارت و اداره بیشتر نهادهای اجتماعی و فرهنگی، با تثبیت و اشاعه مشروعیت نظام سیاسی موجود و خط‌مشی کلی حاکمان، سیاست دربار ساسانی را با خود همراه کردند و در امر قدرت سیاسی و به‌تبع آن در قدرت اقتصادی، جامعه، برخوردار از مداخله و مشارکت شد که تجلی این وحدت

1. Christensen

رویه، بخشی از آرمان و راهبرد بنیان‌گذار ساسانی بود (شییمان، ۱۳۸۴: ۸۸) و از قبل تجمع همین مولفه‌های قدرت، یعنی نیروی اجتماعی روحانیت، قدرت فرمان‌روایی و توان اقتصادی بود که طرح تمرکزگرایی آن‌ها جامعه عمل به خود پوشاند (بهار، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۵) و نقیصه فقدان یک پیکره منسجم دینی با متون مذهبی جدید نیز در ابتدای همین دوره تاریخی، در عهد اردشیر و به دست تنسر عملی شد (زهر، ۱۳۷۵: ۳۰۵). این نظام سیاسی و اعتقادی هرگاه با نهضت‌ها و جنبش‌های مختلف اجتماعی یا اعتقادی، از جمله مانی و مزدک روبه‌رو شد، دستگاه روحانیت رسمی به کمک حاکمیت آمد و از آن دفاع کرد و آن را از بحران عبور داد؛ چنان‌که کرتیر در عهد مانی چنان کرد (دریایی، ۱۳۸۲: ۶۸) و با مساعدت و اهتمام او بود که دین زرتشتی در قالب یک دین سرکوب‌گر و ارتجاعی ظهور کرد (شییمان، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۲). کرتیر در کتیبه خود در کعبه زرتشت بخشی از این خط‌مشی و رویکرد را انعکاس داده است (تفضلی، ۱۳۷۰: ۷۳۰-۷۳۲) و کتیبه سرمشهد فهرست بلندبالایی را از اقلیت‌ها و ادیان سرکوب‌شده، اعم از یهودیان، مسیحیان، مانویان، منداییان، بوداییان و برهمنی‌ها ارائه می‌کند (زهر، ۱۳۷۵: ۳۱۷). از این قرار، بخشی از مساعی روحانیان زرتشتی به‌منظور تحقق وحدت‌گرایی که بخشی از راهبرد حاکمیت ساسانی بود، عملی شد (لوکونین، ۱۳۸۵: ۱۵۸). از طرفی، پدیده تمرکزگرایی از مقولاتی بود که شاهان ساسانی پیوسته به آن اهتمام داشتند. آن‌ها برای تمرکز بخشیدن به دو اصل دین و دولت در درون حاکمیت تلاش زیادی کردند (بیانی، ۱۳۸۰: ۱۰) و برخلاف شاهان هخامنشی که به‌زعم برخی، در رویکرد دینی خود، دارای نوع خاصی از تساهل و تسامح مذهبی بودند (بنونیست، ۱۳۵۴: ۲۱-۳۱)، مطابق آنچه که از فحوای متون تاریخی و دینی زرتشتی برمی‌آید، مقام موبدان در این دوره به‌شدت افزایش یافت (یعقوبی، ۱۳۴۴: ۱/۱۳۵) و به همان نسبت نفوذ آن‌ها در امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به تعصبات دینی و جانبداری از اهداف و آرمان حاکمیت بیشتر شد.

رسمی شدن دین زرتشتی در دوره ساسانی، بستری مناسب برای ارتقای جایگاه و قدرت روحانیت رسمی فراهم کرد. بهره‌مندی از حقوقی چون تاج بر سر شاه نهادن، شرکت در شورای سلطنتی، مشارکت در انتخاب ولیعهد، در اختیار داشتن معابد، دارا بودن

حق قضاوت و تعلیم و تربیت، و نیز بر خورداری از حق مالکیت مادی و معنوی بر بخش بزرگی از منابع ثروت جامعه (بیانی، ۱۳۸۰: ۴۱)، جملگی، این امکان را فراهم می‌کرد تا موبدان بتوانند، به صورت مستقیم، به مراکز و منابع اصلی قدرت دسترسی پیدا کنند و از قبل آن به تمکن و بر خورداری مادی برسند.

از یک طرف، این امکان در شریعت زرتشتی با نگاه اعتقادی تشریح و تشریح شده بود. دین زرتشتی در کوچک‌ترین مسائل مربوط به زندگی فرد در ابعاد فردی و اجتماعی وارد شده و از هنگام تولد تا مرگ، همه امور مادی و معنوی را به گونه‌ای تشریح کرده بود که در مراحل گوناگون حیات یک فرد، چون تولد، تحصیل، عروسی، اعیاد، تشییع جنازه و انجام معاملات، انجام دقیق و درست هیچ‌یک از آن‌ها بدون دخالت موبدان ممکن نبود (مینوی خرد، ۱۳۶۴: ۴۸). طبقات مختلف مردم به شکل جبری و عامدانه با روحانیان رودرو می‌شدند و در امور روزمره فردی یا اجتماعی خود چون قضاوت و تحصیل از آن گریزی نداشتند (ایمان پور، ۱۳۷۱: ۲۷۵). قوای داوری، به طور اخص، متعلق به روحانیان بود (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۳۲۶) و بر این اساس رهبری امور قضایی نیز بر عهده پیشوای روحانیان زرتشتی، یعنی موبدان موبد قرار داشت؛ چنان‌که کرتیر در عهد بهرام دوم، ریاست دادگاه عالی کشور و مقام داور داوران را عهده‌دار بود (کاوسجی، ۱۳۵۰: ۸۴) و در دعاوی حقوقی رأی موبدان موبد بر دیگران تقدم داشت و نقض و نسخ رأی او ممکن نبود (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۳۲۷). از طرف دیگر، عقاید و باور عامیانه هم بر شدت این نفوذ و اثربخشی می‌افزود. مثلاً هر فرد در مدت شبانه‌روز بر اثر اندکی تسامح، دست‌خوش گناه و پلیدی و نجاست می‌شد که شیوه تطهیر آن منوط به آراء و اراده موبدان بود و این رویه، پیوسته بر حجم خرافات می‌افزود و امور مربوط به موبدان افزایش می‌یافت؛ چنان‌که موبدان در اموری چون عطسه کردن، قضای حاجت، چیدن ناخن و مو، روشن کردن چراغ و مانند آن‌ها مراسمی جداگانه و دعاهای مخصوص ارائه می‌کردند (بیانی، ۱۳۸۰: ۴۲) و این روند سایه نفوذ و قدرت‌گیری روحانیان را هرچه بیشتر افزایش داد (Brosius, 2006: 188).

روحانیان در ساختار سیاسی، قضایی و اجتماعی جامعه ساسانی، دارای نظامی سلسله‌مراتبی و طبقاتی در طبقه خود بودند. آن‌ها در رأس سایر طبقات اجتماعی قرار داشتند و برترین طبقه بودند (طبری، ۱۳۵۲: ۵۲۰/۲) و این خود یکی دیگر از زمینه‌های رشد نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی آن‌ها بود که احترام و منزلت بسیاری را برای آن‌ها فراهم می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۴۴: ۱/۴۲۲)؛ حتی این مقام و اعتبار، به‌طور موروثی، به اعقاب آن‌ها نیز منتقل می‌شد (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۱۵۶). مجموعه قوانین کشور، دین رسمی و رویکرد سیاسی حاکمیت وقت نیز این پایگاه و نقش موبدان را تثبیت، حمایت و حفظ می‌کرد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۹: ۴۲۰) و ورود و ارتقای سایر طبقات و افراد جامعه را به این طبقه، محدود و ممنوع می‌کرد (مفتخری و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۵).

۳. سلسله‌مراتب موبدان در عصر ساسانی

طیف وسیع موبدان عصر ساسانی در مجموع، دارای سه گروه با زیرمجموعه‌های کوچک‌تر بودند که هر یک در بخشی از امور اجتماعی، کارکردهای متفاوتی را برعهده داشتند.

۳-۱. مغان - مگوان - مغ

اهمیت این گروه از روحانیان از انبوه مهرهای باقی‌مانده از آن‌ها و کثرت استعمال نام آن‌ها در مهرها پیداست. این گروه در امور مذهبی و حکومتی اشتغال داشتند و دارای کارکردهای اقتصادی ویژه‌ای بودند (دریایی، ۱۳۸۲ الف: ۴۵)؛ اما در عین حال از حیث سلسله‌مراتبی در پایین‌ترین رده از مراتب روحانیان قرار داشتند و بیشترین تعداد از طبقه روحانیت را شامل می‌شدند (دینوری، ۱۳۴۰: ۹۲).

۳-۲. هیربدان

به‌زعم برخی پژوهشگران، هیربد به معنای روحانی آتش است (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۵۷۲) و به‌زعم برخی دیگر، منزلت هیربدان در ابتدا فراتر از موبدان بوده است (Keryendbroek, 2012: 226). از هیربدان هیربد معروف می‌توان از «تسر» نام برد که

احتمالاً در زمان اردشیر یکم می زیسته است و «زروان داد» پسر مهرنرسه از خاندان سپندیاد نیز مقام هیربدان هیربد داشت (گریستن سن، ۱۳۷۵: ۱۳۷). این طیف از روحانیان زرتشتی در اموری چون مشاغل آموزشی، فرهنگی، تجاری و مسائل اجتماعی مربوط به مردمان اشتغال داشتند (Kotwal, 2012: 227; Bailey, 1957: 43; Wikander, 1946: 35). آن‌ها در ایالت فارس تمرکز یافته بودند (طبری، ۱۳۵۲: ۱۷۵/۲).

۳-۳. موبدان

این طیف از طبقه روحانیان زرتشتی در رأس طبقه روحانیت قرار داشتند و از نفوذ فوق العاده‌ای در امور اجتماعی برخوردار بودند (ایمان پور، ۱۳۷۱: ۲۷۶). مقام موبدان موبد در انحصار آن‌ها بود و این لقب از زمان هرمز اول متداول شد. موبدان مهم‌ترین مشاغل مهم دینی و قضایی را برعهده گرفتند و از عالی‌ترین مراتب منزلت و اعتبار اجتماعی در میان روحانیان برخوردار شدند (دینوری، ۱۳۴۰: ۱۱۰).

هریک از این اقشار روحانی، سنن و رسوم و شأن ویژه‌ای برای خود قائل بودند؛ چنان که «هیربدان پارس بیشتر حافظ سنت‌های شفاهی بودند و آن را در مقابل سنت‌های مکتوب که نزد موبدان آذربایجان رایج بود، معتبر می‌شمردند» (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۱۵۲). از نظر مکانی و محل استقرار هم، آن‌ها متفاوت از هم تمرکز پیدا کردند؛ چنان که مرکز فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی موبدان در شیز آذربایجان (فردوسی، ۱۳۱۴: ۹/ ابیات ۱۵۹۵-۱۶۴۵) و هیربدان در استخر فارس (فرای، ۱۳۷۷: ۲۲۷) بود. در بسیاری از منابع اسلامی، مغان و موبدان را یکی دانسته و از این رو بیشتر به شرح مناصب و مقامات در قشر هیربدان و موبدان اکتفا کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مقام موبدان موبد^۱: وی در زمینه ایمان و تقوا، ارزش‌های اخلاقی، علوم و معارف، و آموزه‌های دینی دارای قابلیت‌های ویژه‌ای بود و در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و

۱. طبری (۱۳۵۲: ۲/ ۵۸۲)، از چنین منصبی برای نخستین بار در زمان اردشیر یاد می‌کند که «فاهر» نام داشته و اردشیر مقام «موبدان موبدی» را به او داده است.

فرهنگی نیز صاحب تبحر و تخصص بود. او همچنین از مقامات عالی اداری و رئیس امور دینی روحانیت به حساب می‌آمد و شخصاً از جانب پادشاه انتخاب می‌شد (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۲۲۰). وظایفی چون رهبری امور دینی، صدور فتوا، نظارت بر اداره امور آتشکده‌های کشور و مقام اندرزباز برای مشاوره مذهبی دربار (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۲۰)، ریاست دادگستری (مقام داوران دادور)، ریاست جماعت پزشکان، ریاست دادگاه جرایم مقامات عالی (مشکور، ۱۳۶۶: ۷۵/۲)، رسیدگی به دعاوی علیه شاه، رسیدگی به دعاوی علیه اقلیت‌ها، ریاست امور قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای آن‌ها (گیرشمن، ۱۳۷۴: ۳۱۱)، عضویت در شورای سلطنت، وظیفه گذاشتن تاج بر سر شاه (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۲۰۵) و... برعهده او بود؛ حتی در امور نظامی هم مورد مشورت شاه بود و در جبهه‌های جنگ هم حضور می‌یافت (پروکوپوس، ۱۳۶۵: ۵۱-۵۲).

- مقام هیربدان هیربد: این عنوان و جایگاه پس از مقام موبدان موبد از منزلت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده و ریاست قشر روحانی هیربدان را برعهده داشته است (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۲۱۷). این مقام در بعضی از دوره‌های تاریخی این عصر بر حسب تحولات ساختار قدرت دارای پایگاه و جایگاه معتبرتری بوده است (نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۱۹۰). در این دوره مقام ریاست آتشکده‌ها را با عنوان «مغان مغ» (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۴۱۰) خطاب می‌کرده‌اند و نظارت بر موقوفه‌ها با مغان اندرزبذ و مقام ارشد قضات (دادوران دادور) را عهده‌دار بوده است (فردوسی، ۱۳۱۴: ۹/۱۶۳۵-۱۶۳۹). بعلاوه مناصب دیگری وجود داشته که آن‌ها نیز از حیث اجرا و انجام برعهده هیربدان بوده است. از آن جمله: دادور که قضات دادگاه‌ها بودند؛ سپاه دادور (قاضی لشکر)؛ زرتشترم (رئیس همه پزشکان روحانی و جسمانی)؛ مقام دستور که متبحر در علوم و مبانی مذهبی و فلسفه دین بود و مقام ورتبد که از مأموران عالی‌رتبه به‌شمار می‌آمد (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۲۱۰)؛ زرتوتر که رئیس اجرای مراسم آتشکده بود (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۲۱۹) و زبردستان او که گروهی هفت‌نفره و همگی روحانی بودند و به انجام مراسم می‌پرداختند و «رتو» خوانده می‌شدند (بارتلمه،

۱۳۴۴: ۴۰۱). روحانیانی^۱ که عهده‌دار حفظ روشنایی آتش در همه‌حال بودند و «راسپی» خوانده می‌شدند (هوار، ۱۳۶۳: ۱۷۶) و نیز آذربید که پاسبان و مأمور نگهداری آتش بودند و در مرتبه پایین‌تری قرار داشتند (خوارزمی، ۱۴۰۴: ۱۳۸). این مجموعه، همگی، از روحانیان و طبقه روحانیت زرتشتی بودند که حجم وسیعی از شاغلان حکومتی را در عرصه‌های مختلف جامعه در همه شهرها، به‌ویژه پایتخت و سه منطقه فارس، ریوند خراسان و شیز آذربایجان، برعهده داشتند.^۲ گسترده‌گی و فراخی فعالیت‌های فراوان موبدان^۳ امکان دسترسی و دخالت آن‌ها در امور اقتصادی را تا حد چشمگیری فراهم کرده و زمینه‌ساز تأثیرپذیری اقتصاد ساسانی و نظام مالی ساسانیان از موبدان و نوع حضور آن‌ها در جامعه ایران آن دوران می‌شد.

به‌طور مشخص و مجزا، موبدان عهد ساسانی دارای کارکردهای متفاوتی بودند و در عرصه‌های گوناگونی فعالیت داشتند که از گستردگی و اهمیت فراوانی برخوردار بود. مثلاً در امر تعلیم و تربیت که در همه سطوح، از مبتدی تا عالی، در اختیار و انحصار موبدان بود (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۱۴۲)؛ در مقوله طبابت و پزشکی، بسیاری از موبدان از پزشکی سررشته داشتند و برخی از آن‌ها پزشکان ماهری بودند (رضی، ۱۳۴۶: ۱/ ۲۸۰)؛ در امور سیاسی، موبدان در اجرا و انجام این بخش از کارکرد خود که به‌لحاظ پرداختن به امور

۱. مؤلف کتاب الملل و النحل درباره اهمیت نقش موبدان موبد می‌نویسد: «مگوک به مطابعت او منقاد بودند و از مطاوی او امر و نواهی او تجاوز نمودندی و به احترام او ساعی بودند؛ چنان‌که تعظیم سلاطین کنند» (شهرستانی، ۱۳۵۰: ۱۷۹).

۲. روحانیان در یک سیر تاریخی چندصدساله تا زمان ساسانی، موقع و مقام اجتماعی خاص یافتند و به اقتضای زمان و شرایط جامعه ساسانی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار شدند که فراتر از همه دوره‌های قبل و بعد از آن بود. دامنه وسیع فعالیت روحانیان در امور عرفی و مذهبی سبب شده بود که بسیاری از مسائل و پدیده‌های بسیار معمولی جامعه نیز رنگ تقدس و صبغه دینی بگیرد. به تعبیر کریستن سن: «عموم مردم مغان را مقدس شمرده و احترام می‌کردند، امور عامه خلق، بر طبق نصایح و پیش‌بینی مغان ترتیب و تمشیت می‌گرفت و مخصوصاً در دعاوی اشخاص دقت می‌کردند و با نهایت مواظبت جریان وقایع را در نظر گرفته و فتوی می‌دادند و ظاهراً هیچ چیز را مردمان درست و قانونی نمی‌دانستند؛ مگر آنکه به تصدیق مغی رسیده باشد» (۱۳۷۵: ۱۳۷).

۳. عنوان موبد نخستین بار در سده سوم میلادی، در سنگ‌نوشته‌های کرتیر نمایان شد (Gerent, 1990: 94). گویا نرسی نیز در سنگ‌نوشته‌اش این عنوان را برای کرتیر نگه داشته است (Skgarvo, 2012: 608) و این نشان می‌دهد که این عنوان در سده چهارم اهمیت بیشتری یافته است (عریان، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

دربار و اعمال تأثیر بلاواسطه در امور کلان کشور از اهمیت خاصی برخوردار بود، دامنه فعالیت نمادینی را تجربه کردند. از اهم فعالیت‌های موبدان در این زمینه، می‌توان به مواردی چون تأیید گزینش مقام شاه اشاره کرد. هرچند در ابتدای دوره ساسانی برابر با اسناد تاریخی، انتخاب و گزینش ولیعهد با شخص شاه بود، پس از مدتی این امر نیز برعهده بزرگان کشور و موبدان گذاشته شد (دریایی، ۱۳۸۲: ۱۹).

پادشاه ممکن بود به بهانه‌های گوناگون متهم به بی‌لیاقتی شود؛ از آن جمله هرگاه پادشاهی مطابق تعالیم روحانی اعظم رفتار نمی‌کرد، نالایق به‌شمار می‌رفت. اگر چند نفر برای سلطنت پیدا می‌شدند و هریک از آن‌ها متکی بر فرقه‌ای از نجبای عالی‌رتبه بودند، رأی روحانی اعظم تعیین‌کننده و ارجح بود؛ چه او نماینده قدرت دینی و مظهر ایمان و اعتقاد مذهبی ملت محسوب می‌شد (کریستین سن، ۱۳۷۵: ۱۸۱). همچنین در اجرای سنت تاج‌گذاری پادشاه و تشریفات آن، به‌عنوان بخشی از مراحل آغازین رسمیت یافتن مقام شاهی و مشروعیت حکومت وی، موبدان نقشی نمادین داشتند. آن‌ها علاوه بر آنکه به دست خود بر سر شاه تاج می‌گذاشتند، در حین تاج‌گذاری، به‌عنوان بخشی از سنت جاری، شاه خطبه‌ای ایراد می‌کرد که در آن نوعی تعهد شفاهی طرفین در لزوم حفظ احترام دو دستگاه دیانت و سیاست بیان می‌شد (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

ملازمت با شاهان، بخشی از نمود کارکرد سیاسی موبدان در ساختار قدرت بود. موبدان در کنار شاه و سپاهیان در میدان نبرد حاضر می‌شدند (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۴۵) و در شکارگاه نیز همراه شاهان بودند^۱ (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۱۵۶). هفت مجلس علمی نوشین روان (هفت بزم نوشین روان) (خالقی مطلق، ۱۳۸۷: ۴۵) با موبدان نیز بیانگر مقام والا، قدرت و نفوذ موبدان در دربار شاهان ساسانی است (جاحظ، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۴۶). سخنان بوذرجمهر، دانشمندترین موبد دربار، حاکی از خرد، دانش و اخلاق ستودنی اوست. وی به پرسش‌های خسروی اول پاسخ‌های حکیمانه می‌دهد و در پایان مجلس هفتم، شاه به وی گنج بی‌شمار می‌بخشد (فرای، ۱۳۸۳: ۱۹۱). از یک نسخه خطی چنین برمی‌آید که در

۱. در کارنامه اردشیر بابکان، نام موبدان موبد، ایران سپاهبذ، دیران مهشت، اندرزبذ و اسپوهرگان در ردیف ملتزمان رکاب شاه در موقع شکار آمده است (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

دربار خسرو به جز بزرگمهر، بختگان، موبدان موبد و یزدگرد دبیر، هفتاد تن از دانشمندان دیگر، دایم در خدمت شاه بودند (محمدی ملایری، ۱۳۵۶: ۹۶-۹۷).

۴. اهمیت آتشکده‌ها در ایجاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی موبدان

آتشکده‌ها که تماماً در اختیار طبقات روحانیان بودند؛ در تاریخ سیاسی ساسانیان، در ساختار اجتماعی و در نظام اقتصادی امپراتوری ساسانی و نیز در رویکرد دربار و دستگاه حاکمه آن روزگار، جایگاه پراهمیتی داشتند. قدرت این اثرگذاری و اهمیت آن در دو شکل اسطوره‌ای و تاریخی قابل بررسی و رسیدگی است.^۱ پیوند دادن شاهان اسطوره‌ای چون کیخسرو، به عنوان شخصیتی محبوب، با آتشکده‌های آذرفرنبغ و آذرگشنسب در رویکرد روحانیان و ادبیات عامیانه، ارائه یک الگوی مؤمنانه از فردی زرتشتی است تا جاذبه‌ای باشد در جذب مؤمنان و متشرعان به آتشکده‌ها (بویس، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱). برتری کیخسرو بر افراسیاب و نوع توسل او به آتشکده‌ها و مورد تفقد قرار دادن موبدان (ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۵: ۱۵۵)، در ادبیات اساطیری نمود دیگری از این اهمیت بخشی به آتشکده‌هاست و از همین باب آمده است که گشتاسب آتشکده دلجان را برپا کرد و آتش آن را برافروخت و چندین وقف به آن اختصاص داد (قمی، ۱۳۶۱: ۷۴) و یا بهمن پسر اسفندیار در سیستان با کشتن رستم و فرامرز، در تأمین روزی سپاه و مخارج هیربدان و آتشکده‌ها مال بسیار به دست آورد (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۴۸۴). کتیبه شاپور در کعبه زرتشت نیز به برپا داشتن آتش‌های بهرام در شهرهایی که به دست او فتح می‌شد، تأکید دارد (Yamamoto, Y, 1981: 67; Choksy, 1988: 11; Wiesehofer, 1987: 376).

۱. منابع اسلامی متأثر از منابع زرتشتی، ارتباط شاهان با آتشکده‌ها را به پیش از زرتشت می‌رسانند. جمشید، کیخسرو، گشتاسب و بهمن از آن جمله‌اند. کیخسرو در تعقیب افراسیاب وارد چاچ، سغد و بخارا می‌شود و پس از آسودگی و استراحت به آتشکده آذرفرنبغ می‌رود و ضمن بذل و بخشش بسیار به موبدان در به دست آوردن افراسیاب به نیایش می‌پردازد؛ چنان که فردوسی آورده است:

بر آتش پراکند چندی گهر	بگسترده بر موبدان سیم و زر
همی رفت با کام دل شاه شاد	وز آن جایگه سر به رفتن نهاد

در عهد ساسانی پیوند مستقیم و انتفاع دوطرفه دین و دولت، شاهان ساسانی را بر آن می‌داشت تا برای اجرای اهداف سیاسی و اغراض اجتماعی و اقتصادی خود، آتشکده‌ها را تحت حمایت خود بگیرند. آتشکده شهر گور یا اردشیرخوره (فیروزآباد) که نماد شاهی و استقلال سیاسی-اعتقادی اردشیر به‌شمار می‌رفت، اولین آتشکده‌ای بود که ضمن آنکه سر اردوان پنجم آخرین نماد قدرت سیاسی حاکمیت اشکانی در آن آویخته شد و خزاین و ثروت او هم به آن رسید، آغازین گام و نخستین قدم در اهتمام شاهان به آتشکده و اشتراک دادن آن در قدرت سیاسی و اقتصادی کشور را جلوه‌گر ساخت (ابن اثیر، ۱۳۴۲: ۵۶). آتشکده‌های عصر ساسانی بسیار ثروتمند بودند و موبدان متولی این آتشکده‌ها املاک حاصل‌خیز و ساختمان‌های عالی داشتند و از این رو آتروپاتن را که محلی عمده در تمرکز روحانیان بود، کشور مغان می‌دانستند (Marcellinas, 1939: 23)؛ بنابراین بیشترین مهرهای مغان در مجموعه تخت سلیمان به‌دست آمده که در مهر کردن کالاها از آن‌ها استفاده می‌شده (Frye, 1973: 60) و معرف موقعیت شغلی و اجتماعی روحانیان بوده است (Frye, 1968: 118). این فقط بخشی از کارکرد اقتصادی مغان بود (دریایی، ۱۳۸۲ ب: ۱۳۲). بخشی از ثروت آتشکده‌ها هم از غنایم، بخشش‌های شاهانه و هدایای افراد به‌دست می‌آمد؛ چنان‌که آتشکده اردشیر همه گنجینه‌های اردوان پنجم را در اختیار گرفت (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۵۸۳-۵۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۴۲: ۵۶). اردشیر و اعقاب او پس از هر پیروزی و در هر مناسبت شاهانه، هدایا و عطایای بسیاری به آتشکده اهدا می‌کردند و از قبل آن بود که آتشکده‌ها صاحب زمین و دام بسیار بودند (پریخانیان، ۱۳۷۷: ۵۰).

در منابع ساسانی و اسلامی، اهدای اموال به آتشکده‌ها و برخورداری آن‌ها از وقف، اهدای سر دشمنان مغلوب به آنجا و تعیین مقام روحانی مسئول از جانب شاه، نمود دیگری از اهمیت اجتماعی و اقتصادی آتشکده‌ها و متولیان آن‌ها را در این دوران نشان می‌دهد؛ چنان‌که به گفته طبری (۱۳۵۲: ۲/۶۴۸) از اصلاحات انوشیروان یکی هم اصلاح امور آتشکده‌هاست. کرتیر در کتیبه خود در کعبه زرتشت، خود را بخش‌کننده هدایا و نذورات میان آتشکده‌ها معرفی می‌کند (Gignoux, 1991: 8; Grenet, 1990: 94; Chaumont,) (1959: 176).

در اواخر دوره ساسانی دیوان و خزانه هر آتشکده به سرپرستی یک موبد اداره می شد (لوکونین، ۱۳۸۵: ۱۳۱). از طرفی آتشکده‌ها محدود به یک یا چند شهر خاص با تعدادی محدود نبودند. منابع اسلامی به ساخت آتشکده‌های بسیار، حتی در روستاها و شهرهای کوچک به دستور شاهان و دیگر افراد اشاره کرده‌اند؛ چنان که شاپور دوم در حوالی «جی» در روستای حروان آتشکده‌ای بنا کرد و قریه‌های یوان و جاجاه را وقف آن کرد (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۱)؛ بهرام پنجم^۱ سر خاقان ترک را به همراه همسر و اموال او وقف آتشکده آذرگشنسب کرد (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۶۳۲)؛ پیروز، پسر یزدگرد، در پی تمرد یهودیان «نیمی از یهودیان اصفهان را کشت و فرزندان آن‌ها را به آتشکده سروش آذران در قریه حروان به بردگی بخشید» (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۳)؛ خسرو انوشیروان نیز در طی حمله به روم از جانب آذربایجان به آتشکده آذرگشنسب رفت و ضمن دعا به متولیان آن، اموالی چون درهم و دینار و گوهر بسیار بخشید (فردوسی، ۱۳۱۴: ۸/ایات ۴۹۰-۵۱۰). خسرو پرویز در آتشکده آذرگشنسب در غلبه بر بهرام چوبین، تاج و گوهر و دینار و مال فراوان به موبدان و آتشکده نذر کرد و پس از بازگشت از روم و پس از پیروزی بر بهرام، ضمن رفتن به آتشکده آذرگشنسب و دو هفته اقامت در آن، دینار و گوهر فراوانی به آن بخشید (فردوسی، ۱۳۱۴: ۹/ایات ۱۵۶۱-۱۶۳۷). خسرو در قریه بارمین نیز آتشکده‌ای بنا و همه دیه‌های اطراف را وقف آن کرد (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۸). این چنین شاهان پس از هر جنگ پیروزمندانه خود، بخشی از غنایم را به آتشکده‌ها اختصاص می دادند و از این راه بخشی از موجبات تمکن و ثروتمندی موبدان و امکان مشارکت آنان در اقتصاد کشور را فراهم می کردند.

۵. انتفاع موبدان از معادن، مزارع و دام در قالب نهاد آتشکده

بخشش‌های فراوان شاهان، اعیان و اشراف در قالب غنایم و یا وقف مال و بردگان خدمت گزار در آتشکده‌ها، تنها نمود بخشی از عملکرد اقتصادی و نقش آفرینی آتشکده‌ها

۱. در تاریخ قم از ساخت آتشکده‌ای به دست بهرام پنجم در طخرود در حوالی ساوه سخن رفته و بیان شده است که شاه بازاری در آن به وجود آورد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳).

و زمینه‌های ثروت‌اندوزی موبدان در ساختار سیاسی-اجتماعی ساسانیان بود. موبدان در اموری چون انتفاع از معادن و بهره‌برداری از محصولات مزارع کشاورزی و امور بازرگانی نیز مشارکتی فعال و رسمی داشتند.

استقرار آتشکده‌ها در محلاتی خاص که معادن مختلف معدنی و کانی‌های قیمتی در آن‌ها تمرکز داشت، ارائه‌کننده دورنمایی از اهداف اقتصادی موبدان در این روزگار است؛ از جمله می‌توان به بنای سه آتشکده بزرگ ساسانی که بقایای آن‌ها هنوز هم نمودی از عظمت بنا و تشکیلات عظیم آن است، در مناطقی از کشور که دارای بیشترین حجم از منابع معدنی است، اشاره کرد. آذربایجان، به‌ویژه منطقه شیز که آتشکده بزرگ آذرگشنسب در آن مستقر بود، به گزارش منابع، دارای معادن طلا، نقره، جیوه، زرنیخ زرد، سرب و سنگ معروف به لعل بنفش بود (قزوینی، ۱۳۶۶: ۱۷۲). ابودلف (۱۳۵۴: ۴۵) از چشمه‌های نفتی با هزار درهم در آمد در روز در منطقه شیروان یاد کرده است؛ همچنین در سایر شهرهای پیرامونی شیز، در اردبیل معدنی از زاج وجود داشت (همان، ۴۶). در شهر اران معدن طلای سنگین و سفید نقره‌فام موجود بود که رنگ آن با محک سرخ می‌شده است (همان، ۴۲) و در بادکوبه معدن نفت بزرگی بود که از آن چاه‌ها کنده و حوض‌ها ساخته بودند که در تملک متولیان آتشکده بود (قزوینی، ۱۳۶۶: ۵۷۱).

وجود منابع نفتی در شیز و اران، معادن جیوه در شیز و شیروان، معادن زرنیخ در شیز، معدن سنگ مرغش در ارمنستان و شیز و اینکه آتروپاتن، ایالت بزرگ مغان بوده است و آن‌ها در آنجا املاکی حاصل‌خیز و ابنیه عالی فاقد دیوار و حصار داشتند (کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۱۷۶)، همگی، دلایلی سؤال‌برانگیز در انتخاب این منطقه در ساخت آتشکده آذرگشنسب و بهره‌برداری آن‌ها از این مواهب است. این هدفمندی در انتخاب مکانی آتشکده‌های بزرگ ساسانی زمانی مشخص‌تر خواهد شد که بدانیم در سایر مناطق دو آتشکده صاحب‌نام دیگر ساسانی در فارس و خراسان قرار داشتند. این حالت مشابه همچنان برقرار بود. به گزارش منابع، در فارس، معادن نقره، آهن، سرب، فسفر، نفت، روی

و جیوه مورد بهره‌برداری بوده است^۱ (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۶۷). *حدود العالم من المشرق الی مغرب* اشاره دارد که «در پارس کوه‌ها و معدن‌های زر باشد و نیز آتشکده‌های گبران» (۱۳۷۲: ۳۷۳)، و نیز به کان‌های آهن و گل سفید در نیریز، زاج نیکو در ابرقوه و جرمق و معدن آهن و معدن سیم در استخر اشاره شده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۴۶).

در خراسان، کان‌های ریوند نیشابور، جایی که آتشکده آذربزین مهر قرار دارد، بسیار است. ریوند ولایت مغان بود (Schippmann, 1971: 29). در این محل بنا بر مشاهده‌های مورخان و جغرافی‌نویسان اسلامی^۲، کان فیروزه موجود بوده است و در پیرامون آن در بیهق کان رخام، در طوس دیگ سنگی، کان‌های نقره در بروان، زر و سیم در بارمان و زعفران نیکو در وشجرد و روناس در قوادیان و در کنار رود هیطل نفت و قیر و فیروزه موجود بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۸).

موبدان علاوه بر استفاده و انتفاع از معادن، از سایر منابع درآمدی چون مزارع کشاورزی و دام و مستغلات نیز بهره‌مند بودند. آتشکده‌های تحت تولید موبدان، مجموعه کاملی از یک تشکیلات منسجم و صاحب اماکن و ابنیه متعدد و متعلقات مختلف بود که در آن‌ها عمارت‌های شاه‌نشین با گنبد بسیار مجلل، از جمله مزین به شاخ گاو (قزوینی، ۱۳۶۶: ۵۸) وجود داشت. بر بالای آتشکده شیز، هلال نقره نصب بود (ابودلف، ۱۳۵۴: ۳۸). آتشکده‌ها بخش‌هایی چون باغ‌های نخل، زیتون و سرو، و دهکده‌های وقفی (طبری، ۱۳۵۲: ۲/۶۶۹)، بازار و محلات پیرامونی (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳)، حمام و بستان‌ها (خضری، ۱۳۳۸: ۱۳-۱۴)، و کوشک‌ها و قصرهای مخصوص مغان (نرشخی، ۱۳۵۱: ۴۳) داشتند. از کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت می‌توان به تملک آتشکده‌ها بر دام‌ها نیز اشاره کرد؛

۱. به گزارش اصطخری (۱۳۴۷: ۱۵)، در فارس مرکب سیاه برای نوشتن و رنگ‌های تزئینی می‌ساختند که از همه مرکب‌های دنیا جز چین بهتر بود و آن‌ها را از افزودن آتش در آتشکده‌ها به دست می‌آوردند و اصل آن از دوده آتش بود.

۲. در *حدود العالم من المشرق الی مغرب* آمده است که «کوه سیم، شهرکی است به براکوه و اندروی معدن سیم است و از بی‌هیزی دست باز داشته‌اند. این کوه بر سر راه سرخس و هرات است. ربوشاران (ربوشاران) و اندروی معدن زر است، مانشان و اندروی معدن زر و سیم، آهن، سرب، سنگ، سرمه است (۱۳۷۲: ۲۹۷-۳۰۷).

بعلاوه موبدان برابر با آنچه از مهرها مستفاد می‌شود، متولیان ثبت دادوستدها^۱ در روستاها و شهرها بودند (فرای، ۱۳۸۳: ۵۲۸). نمونه‌های به‌جای‌مانده از آن را می‌توان از مهرهای گلی به‌دست‌آمده از آتشکده شیز و قصر ابونصر که حاکی از دادوستدهای گوناگون است، دریافت (همان، ۵۲۹).

۶. انتفاع موبدان از عشریات، صدقات و کفاره‌ها

شریعت زرتشتی مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های پیروان خود را به‌گونه‌ای طرح و تعریف کرده بود که نقش روحانیان زرتشتی در آن بسیار پررنگ و نمادین بود و در هریک از مراحل زندگی چون تولد، مرگ و اعیاد و اعمال خاص روز و شب، لزوم ارتباط و وابستگی فرد زرتشتی را با روحانیان آن دین الزامی می‌کرد و روحانیان بلندپایه با نگارش کتاب‌های فقهی، مبانی نظری و مبنای شرعی بسیاری از امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را صبغه دینی می‌بخشیدند (دینکرد، ۱۳۸۴: فصل ۱۲۵: ۵۱). روحانیان در ازای خدماتی که به مردم می‌دادند، از صدقات و عشریات آن‌ها که در ابتدا جنبه اختیاری و اهدایی داشت، استفاده می‌کردند؛ اما این روند در سیری تدریجی دچار تحول شد. در ابتدا، روحانیان در خانه خود یا درخانه مردم مراسم و سنن مذهبی را به‌جا می‌آوردند که بیشتر ناشی از نیاز مادی روحانیان به افراد بود؛ اما با توانگر شدن آن‌ها، وابستگی روحانیان به مردم از بین رفت یا کم‌رنگ شد؛ درحالی‌که وابستگی مردم باقی ماند؛ به‌ویژه آنکه روحانیان امور تحت اراده خود را پیچیده، تخصصی و انحصاری کردند (بویس، ۱۳۸۴: ۷۲).

به عقیده بویس (همان، ۹۳-۹۴)، ایجاد اماکنی خاص به نام «آتشکده‌ها» دو تحول عمده در نوع رابطه میان روحانیان و مردم و فعالیت اقتصادی آن‌ها ایجاد کرد؛ نخست آنکه طبقه روحانیان را از نظام سلسله‌مراتبی برخوردار کرد و دیگر آنکه نظام وقف را

۱. به گفته ابن حوقل (۱۳۶۶: ۱۰۹)، در خان‌لنجان اصفهان پشته بزرگی چون کوه است و قلعه و آتشکده‌ای دارد و خادمان و نگهبانانی از زرتشتیان بر آن گمارده‌اند که بسیار توانگرند. آنان آشامیدنی‌ها را می‌گیرند و پس از نگاه داشتن و کهنه کردن به مردم می‌فروشند و سود فراوان می‌برند.

به وجود آورد که دامنه وسیعی از اهدای نقدی و جنسی تا وقف املاک بزرگ و کوچک را دربر داشت (همان جا).

نوع رویکرد حاکمیت ساسانی و اهتمام خاص شاهان، به ویژه اردشیر، به آیین زرتشت و قرائت خاص او از آن، بر اهمیت روحانیان و همراهی پیوسته آن‌ها با نهاد سیاست (دینوری، ۱۳۴۰: ۸۸؛ جاحظ، ۱۳۸۶: ۱۶۴) و تقدس بیشتر عنصر آتش و آتشکده‌ها افزود و به مرور سبب پیچیدگی و بسط نقش آفرینی موبدان در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی مردمان شد (وندیداد، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۲۴۶؛ فرگرد نهم، بند ۴۷؛ فرگرد هشتم، بند ۴۰-۴۵) و بر کثرت تعداد روحانیان و آتشکده‌ها افزود و یکی از پشتوانه‌های مادی این نهاد و توان اقتصادی آن شد که با پرداخت مستقیم شاهان، اشراف و رعایا تأمین می‌شد. دادن پیشکشی به آتشکده از جانب مردم در هر مراسم که مقدار آن هم زیاد بود، بخشی از این درآمد بود (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۳۵۵)؛ حتی بخشی از مالیاتی که مردم می‌پرداختند، مالیاتی بود که به موبدان می‌رسید و مبتلا به آن هم نگهداری از آتش بود (پریخانیان، ۱۳۷۷: ۳۳۵).

برابر با تعالیم و آموزه‌های موبدان زرتشتی، پلیدی گناه را یک فرد زرتشتی فقط می‌توانست با انجام کارهای نیک یا تحمل تازیانه و یا پرداخت جریمه پاک کند؛ چنان‌که کرتیر در کتیبه خود به آن اشاره دارد (میرفخرایی، ۱۳۵۶: ۱۲۶). در کتب گوناگون عهد ساسانی چون *وندیداد*، *شایست ناشایست*، *بندهشن* و *روایات داراب هرمز دیا*، نوعیت و کیفیت این گناهان به جزئیات ذکر شده است و درجه‌بندی و خردی و درشتی گناهان و تاوان و جریم آن‌ها به صراحت آمده است. مثلاً در فصل ۱۶ *شایست ناشایست* (۱۳۶۹: ۲۲۲)، عنوان کوچک‌ترین گناه «فرمان» است و تاوان آن ۳ درهم است و بلند کردن سلاح به قصد زدن گناهی است که «آگرفت» نام دارد و تاوان آن ۷۳ درهم است. زخمی کردن فرد را «اردوش گناه» گویند که تاوان آن ۳۰ استیر (واحد اندازه‌گیری مقدار به قرار ۱۰ مثقال) است. ایجاد زخم کوچک به قرار یک پنجم و جب، ۳۰ استیر تاوان دارد.

از تاوان‌های معروف این دوران، تاوان و جریم پولی و نقدی بود که پیروان آیین زرتشت به عنوان تاوان آتش می‌پرداختند و خود شامل چهار مرحله شامل تازیانه گناه نسبت

به آتش، پرداخت تاوان پولی نسبت به گناه آتش، پرداخت دستمزد پاک‌کننده گناه و مواردی که باید در پی گناه مذکور به آتش و متولیان آتشکده پیش کش می‌دادند، بود. مثلاً آتش را در سه قدمی مردار بردن یک «تنافور گناه» بود و ۳۰۰ استیر مجازات نقدی در پی داشت (همان، فصل ۲، بند ۴۰).

اگر در خانه‌ای آتش می‌مرد یا آفتاب به آن می‌رسید یا حتی از سوراخ سرپوش آتش، نور آفتاب به آتش می‌رسید تا ۶۰ استیر تاوان داشت (بندهشن، ۱۳۸۰: ۸۲-۸۳) و یا در حین پخت غذا اگر از دیگ آب بر آتش می‌ریخت، هر بار ۵۵ درهم گناه بود. اگر آتش خاموش می‌شد، یک «یات گناه»، اگر موی فرد بسوزد، ۵۰۰ استیر گناه و اگر عضوی بسوزد، ۳۰۰ استیر گناه بود (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۴۸). اگر هیزم تر بر آتش نهند و یا گوشت بر آن برشته کنند، هر بار یک «اویریش گناه» برابر با ۵۰ درهم بود (همان، ۴۹) و این چنین در محدوده‌ای وسیع از قلمروی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد زرتشتی امکان بهره‌برداری موبدان و روحانیان زرتشتی حاصل می‌شد که هم مبنای متشرعانه داشت و هم در چارچوب این رویکرد دین‌مدارانه، پرداخت و دریافت آن توأم با نوعی رضایت بود که امتناع افراد در اهتمام نکردن به این نذورات را کم می‌کرد؛ اما هر چه بود، در نهایت، انفعاع موبدان را از آن حاصل می‌کرد و توان مالی و امکان کنش اقتصادی آن‌ها را افزایش می‌داد.

سبک زندگی به سیاق شریعت زرتشتی و نوع القائات درازمدت موبدان به گونه‌ای بود که وابستگی آحاد جامعه را نسبت به آن‌ها گریزناپذیر می‌کرد؛ به طوری که هریک از افراد و طبقات، به اقتضای نوع عملکرد خود مجبور به مراجعه به روحانیان، هیربدان، دستوران، ردان و سایر مقامات روحانی در رده‌های مختلف بودند که در یک نظام سلسله‌مراتبی، همگی، از طبقه موبدان بودند و حتی مردمان مجبور بودند نزد آن‌ها ضمن اعتراف به گناه، تاوان آن را به صورت جریمه نقدی بپردازند (عریان، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

هدیه دادن به روحانیان یا «اشوداد» نیز یکی از پایه‌های اصلی مراسمی بود که به دست موبدان انجام می‌گرفت و مطابق القائات روحانیان و باور عمومی، در صورت انجام ندادن آن، اجرای مراسم ناقص می‌ماند؛ درست همان گونه که پرداخت دستمزد پاک‌کننده گناه

هم ضروری بود (بویس، ۱۳۷۶: ۲۳۵). در واقع اشوداد (هدیه) جدا از دستمزد بود و با مراسم قربانی ارتباط داشت؛ به این شکل که از تقسیم بخش‌های حیوان قربانی، بخشی هم به موبدان می‌رسید (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۷۶) و هر مراسم، اشوداد خاص خود را داشت. مثلاً «اشوداد» مراسم فرد فوت شده، پرداخت بخشی از پول یا دارایی ماترک او به موبد بود. یکی از سنت‌های جاری جامعه ساسانی که ماهیتی معنوی و آیینی داشت، وقف به آتشکده و آتش بوده است؛ چنان‌که شاپور اول، کرتیر و مهرنرسه چنان کردند و این خود تابع ضوابطی بود که در قانون‌نامه‌های آن روزگار همراه با شرایط و دستورهای لازم درج شده بود (پریخانیان، ۱۳۷۷: ۵۱)؛ اما همه موارد، از آغاز تا اجرا و نگهداری آن، با دخالت موبدان انجام می‌شد و موقوفه‌های آتش در نظارت و دخالت موبدان باقی می‌ماند (همان، ۵۲)؛ به‌ویژه آنکه موبدان در تقدس بخشیدن به آتش، نگهداری آتشکده و سرپرستی اموال و موقوفات آن نقش اصلی داشته و در اجرای هر یک از این وظایف و در انجام آیین‌های دینی و برگزاری مراسم از آن بهره اقتصادی می‌بردند (روایت امیت / شوهیستان، ۱۳۷۶: ۲۵). آن‌ها در عملکردی ترکیبی و کارکردی چندبعدی، ضمن تعامل و مصالحه با دیگر طبقات فرادست (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱۰۵-۲۵۸)، با دخالت و نظارت مستقیم در اجرای امور اجتماعی زندگی مردم، اهمیت و منزلت هرروزه خود را احیا می‌کردند و افزایش می‌دادند و به اشکال مستقیم و غیرمستقیم امکان نقش آفرینی در امور اقتصادی و مالی جامعه را به‌دست می‌آوردند و به انحای گوناگون از آن بهره‌مند می‌شدند.

۷. نتیجه

جامعه ایران ساسانی دارای انتظام خاص اجتماعی، ساختار مستحکم سیاسی و بنیان‌های استوار اقتصادی بود. نوع رویکرد شاهان، به‌ویژه بنیان‌گذار آن (اردشیر اول)، و شیوه تعامل میان دو نهاد دین و سیاست در این دوره تاریخی، گونه‌ای خاص از تشکیلات حیات جمعی را به‌وجود آورد که در آن به‌واسطه زمینه‌ها و ضرورت‌های موجود، نقش کارگزاران نهاد دین به‌شکلی غیرمتعارف از روزگاران پیش و پس از آن دوره پررنگ‌تر شد و اثرگذاری روحانیان در سایر بخش‌های زندگی اجتماعی را عمیق‌تر و دامنه‌دارتر

کرد. موبدان علاوه بر تبیین و تعریف نظام سلسله‌مراتبی در نهاد خود، زمینه‌های نفوذ و حضور در همه ارکان جامعه ساسانی را برای خود تأمین یا تشدید کردند و بر ارکان اصلی قدرت سیاسی و اقتصادی به نسبت ضعف و ناتوانی دربار و خاندان شاهی استیلا یافتند.

رویکرد و کارکرد اقتصادی موبدان در قالب موارد مذکور در این مقاله، در نهایت، این امکان را فراهم کرد که آن‌ها با پشتوانه حمایت قدرت سیاسی و توان مالی و اقتصادی طبقه موبدان، به عنوان یکی از رکن‌های خاص در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه ساسانی مطرح شوند و در همه تحولات اجتماعی اثر آفرین باشند و جامعه و آحاد آن نیز به دلایل گوناگون با تمکین از این اثربخشی و نقش آفرینی و با تلقی نوعی سرنوشت مقدر و التزام به آن، به اوامر آن‌ها تن دادند و با نوع مروودات خود، به تأیید اعتقادی و حمایت اقتصادی آن‌ها پرداختند و مجموعه عملکرد آن‌ها را، چه براساس اعتقاد قلبی و چه از ناگزیری و ناچاری، مورد تأیید و همراهی قرار دادند؛ چنان‌که در برخورد موبدان با نهضت‌های مانی و مزدک و نوع برخورد با اقلیت‌های دینی و جریان‌های اجتماعی شاهد هستیم. در مجموع باید گفت موبدان بخشی از اشراف و نجبای جامعه ساسانی و برخوردار از امتیازات اجتماعی و سیاسی فراوان بودند که یکی از مایه‌های اصلی حفظ موقعیت آنان در جامعه آن دوران، جدا از حمایت دربار شاهان و تمکین مؤمنان از آن‌ها، فعالیت‌ها و کارکردهای گوناگون اقتصادی و عملکردهای مالی خود آن‌ها بود که شرایط حصول آن به اشکال مختلف در جامعه تبیین شده بود و درآمد حاصل از این فعالیت‌های اقتصادی، توان لازم در جذب و حفظ موافقان و دفع مخالفان را برای آن‌ها در سطوح مختلف فراهم می‌کرد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۴۲). *اخبار ایران از الکامل ابن اثیر*. ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. چ ۲. تهران: امیرکبیر.

- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۶۹). **تجارب الامم**. ترجمه ابوالقاسم امامی. ج ۱. تهران: سروش.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۴۷). **مسالك و ممالک**. تصحیح ایرج افشار. ج ۱. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ابودلف (۱۳۵۴). **سفرنامه ابودلف**. تحقیق و پژوهش ولادیمیر مینورسکی. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی. ج ۱. تهران: زوار.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). **دانشنامه مزدیسنا**. تهران: نشر مرکز.
- ایمان پور، محمد تقی (۱۳۷۱). «مبانی نفوذ و مقام روحانیان زرتشتی در دوره ساسانی». **یادگارنامه استاد عبدالهادی حائری**. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- بارتلمه، کریستیان (۱۳۴۴). **زن در حقوق ساسانی**. ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی. تهران: بی نا.
- **بندهشن فرنیغ دادگی** (۱۳۸۰). ترجمه مهرداد بهار. ج ۲. تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). **ادیان آسیایی**. تهران: نشر چشمه.
- بنونیست، امیل (۱۳۵۴). **دین ایرانی**. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بويس، مری (۱۳۸۴). **زرتشتیان، باورها و آداب**. ترجمه عسکر بهرامی. ج ۶. تهران: ققنوس.
- _____ (۱۳۷۶). **تاریخ کیش زرتشت**. ترجمه همایون صنعتی زاده. ج ۱-۳. ج ۲. تهران: توس.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۰). **دین و دولت در عهد ساسانی**. تهران: جامی.
- پروکوپیوس (۱۳۶۵). **جنگ های ایران و روم**. ترجمه محمد سعیدی. ج ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- پریخانیان، آناهید (۱۳۷۷). «جامعه و قانون ایرانی». **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی**. پژوهش دانشگاه کمبریج. گردآوری احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. ج ۳ (قسمت دوم). ج ۱. تهران: امیرکبیر. صص ۳۷-۳۳.

- پیگولوسکایان و دیگران (۱۳۵۹). **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پویش.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۰). «کرتیر و سیاست؛ اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی». **یکی قطره باران** (جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خویی). بی جا: مهارت. صص ۷۳۷-۷۳۶.
- _____ (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**. به کوشش ژاله آموزگار. چ ۳. تهران: سخن.
- ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). **تاریخ ثعالبی**: مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. ترجمه محمد فضایی. چ ۱. تهران: نشر نقره.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۳۸۶). **تاج** (آیین کشورداری در ایران و اسلام). ترجمه حبیب الله نوبخت. تهران: آشیانه کتاب.
- **حدود العالم من المشرق الی مغرب** (۱۳۷۲). تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). **تاریخ پیامبران و شاهان** (تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا). ترجمه جعفر شعار. چ ۱. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۷). «از شاهنامه تا خداینامه (جستاری درباره مآخذ مستقیم و غیرمستقیم شاهنامه)». **نامه ایران باستان** (مجله بین المللی مطالعات ایرانی). س ۷. ش ۱ و ۲. پیاپی ۱۳ و ۱۴. صص ۳-۱۹.
- خضری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۳۸). **تاریخ یزد**. تصحیح ایرج افشار. چ ۱. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۰۴). **مفاتیح العلوم**. حقه ابراهیم الیاری، بیروت: الکتاب العربی.

- دریایی، تورج (۱۳۸۲ الف). **سقوط ساسانیان** (فاتحین خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان). ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسنگلو. چ ۲. تهران: نشر تاریخ ایران.
- _____ (۱۳۸۲ ب). **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثابت فر. تهران: ققنوس.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵). **دین ایران باستان**. ترجمه رؤیا منجم. تهران: فکر روز.
- **دینکرد** (۱۳۸۴). آذرفرّتیغ پسر فرخزاد و آذرباد پسر امید. دفتر دوم. آوانویسی و ترجمه فریدون فضیلت. تهران: مهر آیین.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود (۱۳۴۰). **اخبار الطوال**. ترجمه صادق نشئت. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رضی، هاشم (۱۳۴۶). **فرهنگ نام‌های اوستا**. چ ۳. تهران: فروهر.
- **روایت امیت اشوهیشتان** (۱۳۷۶). ترجمه زهت صفای اصفهانی. چ ۱. تهران: نشر مرکز.
- **روایت پهلوی** (۱۳۶۷). ترجمه مهشید میرفخرایی. چ ۱. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زهر، آر. سی (۱۳۷۵). **طلوع و غروب زرتشتی گری**. ترجمه تیمور قادری. تهران: فکر روز.
- سرامی، قدم علی (۱۳۶۸). **از رنگ گل تا رنج خار**. تهران: علمی و فرهنگی.
- سلطانی، فاطمه (۱۳۸۸). **از دواج در ایران باستان و بازتاب آن در آثار منظوم فارسی**، قم: فارسی الحجاز.
- **شایست، ناشایست** (۱۳۶۹). ترجمه کتابیون مزداپور. چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۵۰). **الملل و النحل**. ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی. تصحیح محمدرضا جلالی. چ ۲. تهران: اقبال.

- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴). **مبانی تاریخ ساسانیان**. ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران: فرزانه روز.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۲). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۲. چ ۱. تهران: انتشارات بنیاد جنگ ایران.
- عریان، سعید (۱۳۸۲). **متن‌های پهلوی**. چ ۱. تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۳). **تاریخ ایران باستان**. چ ۱. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۷). **میراث باستانی ایران**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۱۴). **شاهنامه**. به اهتمام سعید نفیسی. ۱۰ جلد. تهران: کتاب‌خانه و مطبعه بروخیم.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۶۶). **آثارالبلاد و اخبارالعباد**. ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. چ ۱. تهران: نشر مؤسسه اندیشه جوان.
- قمی، حسن بن محمدبن حسن (۱۳۶۱). **تاریخ قم**. ترجمه جلال‌الدین. چ ۱. تهران: توس.
- کاوسبجی کاتراک، هیربد (۱۳۵۰). «تمدن و فرهنگ ایران باستان». ترجمه فرهاد آبادانی. مجله هوخ. دوره ۲۲. ش ۷. صص ۶۶-۸۶.
- کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۷۵). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. چ ۵. تهران: دنیای کتاب.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). **ایران از آغاز تا اسلام**. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریوچ (۱۳۸۵). **تمدن ایران ساسانی**. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.

- محمدی ملایری، محمد (۱۳۵۶). **فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی**. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۲. چ ۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۶). **تاریخ سیاسی ساسانیان**. ج ۲. تهران: دنیای کتاب.
- مفتخری، حسین، علی رجبلو و شهرزاد ساسان پور (۱۳۸۷). «تاثیر اصلاحات خرد انوشیروان بر قشربندی اجتماعی ایران عصر ساسانی». **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا** (ویژهنامه تاریخ). س ۱۸. ش ۷۱. صص ۸۵-۱۲۲.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**. ترجمه علینقی منزوی. ج ۲. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۵۶). «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی ساسانی». **پژوهش نامه فرهنگستان زبان ایران**. س ۱. ش ۲. صص ۱۲۵-۱۳۶.
- مینوی خرد (۱۳۶۴). ترجمه احمد تفضلی. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: توس.
- **نامه تنسر به گشنسب** (۱۳۵۴). تصحیح مجتبی مینوی. تهران: خوارزمی.
- نرشخی، محمدبن جعفر (۱۳۵۱). **تاریخ بخارا**. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القبادی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۷۹). **نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی**. تهران: سروش.
- وندیداد (مجموعه قوانین زرتشت). جیمس دارمستتر (۱۳۸۴). ترجمه موسی جوان. تهران: دنیای کتاب.
- ویدن گرن، گنو (۱۳۷۷). **دین‌های ایران**، ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: نشر آگاهان ایده.
- هوار، کلیمان (۱۳۶۳). **ایران و تمدن ایرانی**. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

- یارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۷۳). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۳۴۴). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. ج ۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- Marcellinas, Ammianus (1939). *The Surviving Books of the History*, Edited and Translated by J. C. Rolfe. Cambridge: Massachussets.
- Bailey, H.W. (1957). "Dvara Matinam" Bulletin of the School of Oriental and African Studies. Vol. 20. pp. 43-58.
- Brosius, Maria. (2006). *the Persians*. London and New York: Routledge.
- Chaumont, Papak (1959). "Roi de staxr et sa Cour". *Journal Asiatique*. No. 2. pp. 175-191.
- Choksy, Jamsheed K. (1988). "Sacral Kingship in Sasanian Iran". *Bulletin of the Asia Institute*. pp. 10-35.
- University Press.
- Frye, R.N. (1968). "Sasanian Clay Sealing in the Collection of _____ (1973). *Sasanian Remains From Qasr I Abu Nasr*. Harvard
- Mohsen Foroughi". *Iranica Antiqua*. Vol. 8.
- Grenet, F. (1990). "Observations sur les titre de Kartir". *Studia Iranica*. Tome. 19. Fasc. 1. pp. 87-94.
- Gigndux, Philip (1991). *Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdir*. Paris
- Kotwal, Firoze M. (2012). "HĒRBEDESTĀN". *Encyclopedia Iranica*. Ed. E. Yarshater. Vol. XII. Fasc. 3.
- Kreyenbroek, Philip G. (2012). "HĒRBED". *Encyclopedia Iranica*. ed. E. Yarshater. Vol. XII. Fasc. 3.
- Skgarvo, Prods Oktor. (2012). "KARTIR". *Encyclopedia Iranica* .ed .E Yarshater. Vol. XV. Fasc. 6.

- Schippmann, Klaus. (1971). *Die iranischen feuerheiligtumer*. Berlin. New York: Walter de Gruyter.
- Wikander, Stig. Vayu. (1946). *Feuerpriester in Kleinasien und Iran*. Lund.
- Yamamoto, Y. (1981). "The Zoroastrian Temple Cult of Fire". In *Archaeology and Literature* (II). Orient. 17. pp. 67-104.
- Wiesehofer, J. (1987). "Ardashir I". *Encyclopedia Iranica*. Ed. E. Yarshater. VoL. 2. pp. 371-376.